

## ((وفاق ملی)) ، واقعیت یا خواب و خیال؟

علمایان و به ویژه تجمعات و اعتضابات مکرر و متعدد کارگران می‌توان دید، خواب و خیال را همچنان از چشم حاکمیت و از چشم طبقه حاکم روبوده است. اکنون این فقط کمونیستها و نیروهای چپ انقلابی نیستند که از بن بست رژیم و جناح‌های حکومتی از بحران سیاسی، از بحران قدرت و از این که انفجار در پایین می‌تواند عاقب وخیم و مرگباری را برای نظم حاکم بهبار آورد، سخن می‌گویند. اوضاع اکنون بقدرتی وخیم است که مدافعان نظم موجود نیزدانما بهاین چنین مسائلی اشاره می‌کنند و برای خروج حاکمیت از بن بست و بحران و برای حفظ نظم موجود، سخت به تلاش و تکاپو افتاده اند. آنان بر این خیال‌اند که دریک "جبهه بزرگ" مجتمع شوند و با ایجاد "وفاق ملی"؟ راهی برای صفحه ۲

خارج از اراده سران حکومت، بحران سیاسی و اقتصادی هر روز حادتر می‌شود. برمشکلات معضلات اجتماعی که نظام حاکم برای کارگران و زحمتکشان و سایر اقسام مردم به بار آورده است، روز به روز افزوده می‌شود. پروره "اصلاح طلبان" حکومتی و دوران ریاست جمهوری خاتمی که حل مشکلات تلقی می‌شده، نه تنها بحران‌ها راحل نکرد و معضلی از بی‌شمار معضلات و گفتاری - های مردم زحمتکش و کل جامعه را بر طرف نساخت، بلکه بر عمق و دامنه این بحرانها و معضلات افزود و آنها را تشید نمود. انفجار بزرگ اجتماعی که نسخه این پروره اساساً برای به تعویق افکنند و پیش‌گیری از آن، پیچیده شده بود، وظیعه‌های آن را در شورش‌های محلی، اعتراضات جوانان و زنان، تظاهرات و اعتضابات

## اجلاس سران اتحادیه اروپا

### و مسئله مهاجرین و پناهندگان

اجلاس دوره‌ای سران کشورهای عضوات اتحادیه اروپا، هفته گذشته، تحت شبیدترین اقدامات امنیتی، در حالی که ارتش و نیروی هوایی اسپانیا به حالت آماده باش درآمده بودند، پلیس در مراکز اصلی شهرها مستقر شده بود و مرازه‌های این کشورشیدیدا تحت کنترل قرار گرفته بود، در سویل شهربندی اسپانیا برگزار شد. با این وجود، این اجلاس با انفجاریک بمب آغاز شد و با انفجار بمب پایان یافت. مجموعاً در طول این اجلاس، ۵ بمب در اسپانیا منفجر شد که مسئولیت آنها را اتا، سازمانی که برای ایجاد یک کشور مستقل باسک‌مبازه می‌کند، بر عهده گرفت. اما مهمترین رویداد مرتبط با این اجلاس، اعتراضات وسیع کارگری در برخی کشورهای اروپائی بود. اندکی قبل از این اجلاس، کارگران و کارکنان خطوط هوایی کشورهای جنوبی اروپا در اعتراض به سیاست - های سران دولت‌های اروپایی، یک روز دست از کار کشیدند و تقریباً رفت و آمد هواپیماهارا در کشورهای اروپایی تعطیل نمودند. اتحادیه‌های کارگری اسپانیا نیز در اعتراض به سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی ایجاد اجلاس اتحادیه اروپا به ویژه سیاستهای فوق ارجاعی نخست وزیر راست افرادی این کشورکه در تلاش است، پرداخت حقوق به کارگران اخراجی را ملغای سازد، پرداخت حقوق به کارگران فصلی را کاهش دهد و بیکاران را مجبور سازد که هر کاری را با همیزیان دستمزد به آنها پیشنهاد شد، تا فاصله ۵۰ کیلومتر از محل زندگی شان بپذیرند والا حداقل کمک‌های اجتماعی به آنها قطع خواهد شد، فراغوان اعتضاب عمومی را صادر کردند. این اعتضاب عمومی که ۱۵ میلیون نفر در آن شرکت نمودند، چنان موفقیت آمیز بود که تمام اسپانیا عملی یک روز تعطیل شد و حتی بسیاری از فروشگاه‌های کوچک و بزرگ شهرهای تعطیل شدند. صدها هزار کارگر در شهرهای مختلف اسپانیا راهپیمایی و تظاهرات کردند و در چندین مورد میان کارگران و پلیس درگیری پیش آمد. یک روز پس از اعتضاب عمومی کارگران اسپانیایی، کارگران یونانی نیز در اعتراض به سیاست‌های ارجاعی اتحادیه اروپا به اعتضاب متول شدند و تظاهرات گسترده‌ای را سازمان دادند. اجلاس سران اتحادیه اروپا، تحت چنین صفحه ۲

## فاجعه‌ای که صدها کشته و هزاران مصدوم بر جای گذاشت ۶

### مبارزه طبقاتی و رهائی زنان (۲۱)

که در این جنبش خود را بیگانه حس می‌کردند با ادغام در سازمانهای سیاسی و صنعتی طبقه کارگر نیز مشکل داشتند. طبقه کارگر آمریکا در ایجاد اتحادیه‌های صفحه ۸

### دراین شماره

- ۵ سینیار بین‌المللی کمونیستی
- ۶ اخبار از ایران
- ۴ اخبار کارگری جهان
- ۶ خلاصه‌ای از اطلاعیه‌ها و یانیه‌های سازمان

دراین شماره، نخست جمع‌بندی مبحث "جنبش زنان آمریکا در قرن ۱۹" از کتاب مبارزه طبقاتی و رهائی زنان را می‌خوانید و پس از آن فصل مربوط به جنبش زنان در آلمان می‌آید. از آن جا که مقدمه فصل اخیر، حاوی ارزیابی عمومی نویسنده از سوسیال دمکراسی آلمان است و اشاره‌ای به وضعیت زنان در مقطع موربدی ثاردار، از ترجمه آن صرف نظر نموده و به بخش مربوط به سازمان‌دهی زنان در اتحادیه‌های کارگری آلمان پرداخته می‌شود.

نتیجه گیری:  
جنبش زنان آمریکا در قرن ۱۹

دیدیم که چگونه طرفداران جنبش بورژوازی حق رای زنان، با جنبش الغاء برداگی به عرصه فعالیت گام نهادند و چگونه در بی‌تشدید قطب‌بندی طبقاتی در جامعه آمریکا در طی دهه‌های آخر قرن ۱۹ و دهه‌های اول قرن ۲۰، به ارتاج، نژادپرستی، بیگانه سنتیزی و نفرت از بینوایان و تهی دستان در غلظیدند. دیدیم که چگونه زنان کارگر

## اجلاس سران اتحادیه اروپا و مسئله مهاجرین و پناهندگان

ازصفحه ۱

### ((وفاق ملی))، واقعیت یا خواب و خیال؟

نجات نظم موجود بگشایند. بروز یک انفجار اجتماعی و زیر ضرب گرفته شدن چارچوب - های نظام سرمایه داری توسط استثمار شدگان و تهییدستان، نه فقط لایهای مختلف بورژوازی داخلی راساخت به وحشت انداخته است، بلکه این بیم و هراس، دامن شرکای خارجی آنها را نیز گرفته است. بورژوازی بین المللی که تامدتها به طوریک جانبه از جریان خاتمی حمایت می کرد، بی آنکه هنوز دست از این حمایت ها برداشته باشد و یا به طور قطعی از آن سلب امید کرده باشد، اکنون سایر جناح های بورژوازی در درون و یا بیرون حاکمیت به ویژه جریان هایی که تحقق برنامه های خود رادر چار چوب رژیم جمهوری اسلامی تعقیب می کنند نیز به حساب آورده و آنها را نیز وارد میدان بازی می کند.

بیوهوده تیست که ابراهیم یزدی دبیر کل نهضت آزادی (و یکی از اعضاء سه گانه مثبت بیق) پس از ماهها اقامت در آمریکا و در بحبوحه دستگیری و محکمه اعضاء نهضت آزادی به تهران مراجعت می کند و با انجام مصاحبه و ملاقات با کروی رییس مجلس، ضمن هشدار خطر "انقلاب" و "نابودی نظام" بر ضرورت دست یابی به یک "وافق ملی" تأکید می کند.

جامعه با بحران های متعدد بهویشه بحران فراینده سیاسی و اقتصادی روبروست، تداوم وضعیت موجود و "انسداد سیاسی" (بخوان بحران سیاسی) به زیان نظم موجود است. تشنج ها نمی گذارد فعالیت های اقتصادی شکل بگیرد . با وجود تنفس های سیاسی، سرمایه خارجی جذب نمی شود، سرمایه دار داخلی نیز رغبتی برای سرمایه گذاری نشان نمی دهد. جنبش اصلاح طلبی نه می تواند و نه باید دنبال حذف محافظه کاران باشد. محافظه کاران هم نمی توانند جنبش اصلاح طلبی را از بین ببرند و باید حضور هم را بپذیرند. در مناسبات قدرت، هیچ نهادی که قدرت فائقه را داشته باشد وجود فرسایش نیروی خود در تقابل بایکدیگر، باید تساهله به خرج دهنده و هم دیگر را تحمل کنند و از تشنج ها بکاهند. محافظه کاران یک دست نیستند. برخلاف محافظه کاران خردگریز و افراط گرایان این جناح، محافظه کاران خرد گرا، دارند به ضرورت دستیابی به یک "وافق ملی" بی می بزنند، باید امیدوار بود که این دسته اخیر به گرایش برتر و فائقه در میان محافظه کاران تبدیل شود. در میان جریانات اصلاح طلب نیز هستند کسانی که از روی یاس و سرخوردگی ممکن است دست

اجرا درآورند و دریک کلام اقدامات سرکوب - گراینه خود را تشديد نمایند. با تمام این اوصاف باید گفت، آنها قادر به حل این مسئله نیستند. با زور و سرکوب نمی شود پدیده ای را که عل اقتصادی-اجتماعی و سیاسی دارد از میان برد.

بورژوازی جهانی شدن هرچه بیشتر سرمایه و تولید است و هرگونه محدودیتی را از سر راه حرکت آزادانه سرمایه برمی دارد، مانع حرکت نیروی کار و جا به جایی آن شود. بین المللی شدن فرایند سرمایه و تولید، ادامگام هرچه بیشتر بازهای ملی در بازارهای بین المللی و تحولات تکنولوژیکی که این روند را تسريع کرده اند، همانگونه که سرمایه را در پی سود از این سو به آن سوی جهان می کشاند، نیروی کار را نیز از این شهر به آن شهر و از این کشور به آن کشور می کشاند. اکنون دیگر حتی در عقب مانده ترین روزتاهای آفریقایی و آسیایی مردم می دانند که در دیگر نقاط جهان چه می گذرد. کسی که بیکار و گرسنه است، در پی یافتن کار، کشورهای قاره ها رانیز پشت سر می گذارد. این محرومان و گرسنگان که چیزی برای ازدست دادن ندارند، هرخطیر را نیز مقبل می شوند، تا خود را به کشورهای ثروتمند تر جهان سرمایه داری برسانند. جهان به کشورهای فقیر و غنی تقسیم شده است . بورژوازی کشورهای ثروتمند جهان سرمایه داری که فرنهای کشورهای عقب مانده تر و فقیرتر را غارت و چپاول کرده اند، نقش مهمی در فلاکت مردم کشورهای فقیر و عقب مانده داشته اند. اگر اروپا و گرسنه ای از دور خود بکشد، این سیل گرسنگان، بیکاران و فقرا، این دیوار رانیز درهم خواهد شکست. اگر بورژوازی امپریالیست جهان برای تقسیم مجدد جهان و کسب سودهای بیشتر، جنگ های منطقه ای برپا می کند، باید این راهم بپذیرد که بخشی از جنگ زدگان و آوارگان به سوی اروپا و امریکا سرازیر شوند. اگر بورژوازی جهانی برای مقابله با جنبش کارگری و کمونیستی، دیکتاتوری های نظامی برس کار می آورد ، اگر به قدرت گیری بین ایجاد اسلامی در ایران و افغانستان و غیره یاری می رساند، اگر اروپایی مدعی آزادی و حقوق بشر نزدیک ترین مناسبات را با رژیم فوق ارجاعی اسلامی در ایران برقرار می کند، لاجرم پناهنده سیاسی نیز خواهد داشت. پس روشن است پدیده ای را که عل اقتصادی- اجتماعی و سیاسی دارد با سرکوب و بگیر و ببند نمی توان حل کرد. تافق، نابرابری، جنگ و اختناق و جود دارد، مهاجرت و پناهندگی نیز وجود خواهد داشت. سران اتحادیه اروپا با تصمیمات اخیر خود می توانند فشار و تضییقات علیه مهاجرین و پناهندگان را تشید کنند، اما نمی توانند ورود مهاجرین و پناهندگان را به اروپا سد کنند.

شرایطی از نارضایتی و اعتراضات کارگری برگزار شد.

مهمترین مسئله مورد بحث در این اجلاس، تصمیم گیری در مورد راههای جلوگیری از ورود مهاجرین و پناهندگان بود. این مسئله در شرایطی برای بورژوازی امپریالیست به یک مسئله ظاهرا بزرگ تبدیل شده است که بحران اقتصادی جهان سرمایه داری عمیق تر شده و سرمایه داران تعرض و سیعی را به حقوق و دست آوردهای طبقه کارگر و توده - های زحمتکش در سراسر جهان سازمان داده اند.

اکنون تقریبا تمام کشورهای مهم جهان سرمایه داری با رکودی همه جانبه روبرو هستند و نزد های رشد مداوما کاهش می یابند. این کاهش مطلق نرخهای رشد، یکی از خصوصیات بارز بحران های ادواری چند دهه اخیر بوده است. اکنون این بحران چنان زرف شده است که حتی اصلی ترین قدرت اقتصادی اروپا یعنی آلمان را با چنان وضعیتی روبرو ساخته که میزان ورشکستگی - ها در این کشور در نیمه اول سال جاری حدود ۴۳ درصد افزایش یافته است. رقمی که بدگفته مطبوعات بورژوازی در دوران پس از جنگ جهانی دوم بی سابقه است. بحران ساختاری نظام سرمایه داری جهانی، تنها در اروپا میلیون ها بیکار به بار آورده و اکنون سدهه متوالی است که پیوسته تعداد بیکاران افزایش می یابد.

بورژوازی امپریالیست، در همان حال که می کوشد با تعرض به حقوق و دست آوردهای طبقه کارگر و تشید استثمار، باراین بیاندازد؛ را هرچه بیشتر به دوش کارگران بیاندازد؛ در تلاش است که برای منحرف کردن مبارزه کارگران و منحرف کردن توجه آنها از علت مسئله بیکاری را با مهاجرین مرتبط سازد و چنین وانمود کند که اگر کارگران اروپایی بیکار می شوند، علت آن مهاجرینی هستند که به اروپا سرازیر شده اند . در حالی که اولا - پدیده بیکاری را زاید نهادن نظام سرمایه داری سرت و مهارین های ریچ نقشی در ایجاد آن ندارند، ثانیا - مسئله مهاجرت نیز زائد نتضادها و بحران های نظام سرمایه داری جهانی است. اما بورژوازی در حالی که به نام مبارزه با بیکاری و ایجاد اشتغال به ته مانده دست آوردهای طبقه کارگر بیوش آورده است، تحت همین عنوان و با افزودن توجیهاتی دیگر، مبارزه خود را علیه پناهندگان و مهاجرین تشید کرده است. برهمین مبنای انسان اتحادیه اروپا در اجلاس اخیر خود تصمیم گرفتند با تشید کنترل های مرزی، فشار به دولتهای دیگر، اقدامات سخت گیرانه برای ورود مردمان کشورهای دیگر به اروپا و بازگرداندن پناهندگان و مهاجرینی که جدیدا وارد می شوند، مقررات سفت و سختی را به مرحله

## («وفاق ملی»)، واقعیت یا خواب و خیال؟

"محور وفاق"، "غیرت ملی است"!  
نه فقط بکاربردن اصطلاحاتی نظری "گروههای ملی"، میثاق ملی" ، "اهداف ملی" توسط مدیر مسؤول روزنامه رسالتتصادفی نیست، بلکه این موضوع که از اسلامیت و ولایت فقیه هیچ‌حرفی زده نمی‌شود و "غیرت ملی" به "محور وفاق" عروج می‌کند نیز تصادفی نیست. حقیقت آن است که این جناح نیز (و یا لاقل بخششائی از این جناح) چاره نجات رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی را در "وفاق ملی" می‌بینند و در عین حال این واقعیت را به اثبات می‌رسانند که اگر پای منافع کل نظام سرمایه داری و پای درهم شکستن مناسبات کهنه در میان باشد، بورژوازی کلریکال نیز به سرعت می‌تواند باسایر لایحه‌های بورژوازی هم لهجه شود و حتی از اصول و مبانی عقیدتی و دینی خود نیز کوتاه بیاید.

اصل این است که منافع پایه‌ای طبقه سرمایه دار نزدیک شدن جناح‌ها و استراتژی "وفاق ملی" را ایجاد می‌کند. "وفاق ملی" اگر چه واقعیتی است که از سوی عقلایی بورژوازی در دستور کار جناح‌های مختلف حکومتی و غیرحکومتی قرارگرفته است، اما باید در نظر داشت که این پروژه مسیر صاف و همواری را طی نخواهد کرد. چرا که بسیاری از تصادها واختلافها، هنوز عمل می‌کنند. در نهادهای این راه همین بس که گفته شود، دبیر کل نهضت آزادی که یکی از طرحان اصلی "وفاق ملی" است یک روز قبل از ملاقاتش با رئیس مجلس و گفتگو پیرامون این "وفاق" باید دوازدهمین جلسه چهار ساعتی بازجوئی خود را پس می‌داد. این یک. دوم و مهمتر این که، گیریم استراتژی "وفاق ملی" به سرانجام هم بررسد، اما این تصور که این "وفاق" بحران سیاسی و اقتصادی راحل‌کن و جمهوری اسلامی و نظم حاکم را نجات دهد و معضلات جامعه را از میان بردارد، این، اما خواب و خیالی بیش نیست. بحران سیاسی و اقتصادی و معضلات اجتماعی نه فقط با تحرکاتی در چارچوب قانون اساسی و در چارچوب رژیم جمهوری اسلامی حل و فصل نمی‌شود، فراتر از این حتی در چارچوب یک نظام‌لیبرال و غیردینی نیز ریشه‌ای حل نمی‌شود.

تمام "وفاق"‌ها و راه حل‌های بورژوازی (تمام لایه‌های آن) معطوف به ممانعت و انسداد راه حل اساسی است. یگانه راه حل ریشه‌ای بحران سیاسی و اقتصادی و یگانه راه حل قطعی تمامی نابسامانیهای اجتماعی، براندازی تمامیت رژیم جمهوری اسلامی از طریق یک انقلاب کارگری و درهم شکستن مناسبات و روابط سیاسی و برقراری مناسباتی نوین، نخستین دگرگونیهای اساسی به نفع کارگران و زحمتکشان رقم خواهد خورد!

می‌شود که "جبهه ای بزرگ" از جناح‌های حکومتی و نیروهای ملی مذهبی خارج از حکومت ایجاد شود. جبهه‌ای مرکب از محافظه کاران خردگرا که افراد گرانی رانمی‌پسندند و برمنای تجارب آزمون شده واقع بینی را مبنای کار خویش قرار داده اند و نیروهای جبهه دوم خرداد البته فارغ از تندرویهایی که به نظام آسیب می‌زنند و یا کسانی که می‌خواهند مدربنیت را بدون نقد و یا در نظر گرفتن ظرفیت‌های اجتماعی و اقتصادی بومی عملی‌سازند، به اضافه نیروهای ملی - مذهبی که "تقد سنت و تجدد" را ضروری می‌دانند. علاوه بر این ها و دوم خردادیها که از دیر باز در ضرورت دست‌یابی به "وفاق ملی" میان جریانات و لایه‌های مختلف بورژوازی بیرون و درون حاکمیت سخن گفته‌اند، در میان رسالتی - ها نیز چنین گرایشی رو به رشد و تقویت است. در این مورد برای نمونه می‌توان به سخنان مرتضی نبوی مدیر مسئول روزنامه رسالت‌که عضویت در مجمع تشخیص مصلحت نظام رانیز با خود یدک می‌کشد، اشاره کرد. وی نیز در گفتگو با ایستاده تواند در حل معضلات، ناتوانی جناح دوم خرداد در حل معضلات، از این که این جناح فرسته ها را از دست می‌دهد اظهار تأسف و نگرانی کرد. در عین حال با اشاره به ضرورت انجام تغییرات و اصلاحاتی مناسب با زمان و برای "کسب مقبولیت" جناح خویش، به جز جریانات به قول وی افرادی نظیرسازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و بخشا حزب مشارکت، که در تدارک "قدس زدایی" اند و از تغییر قانون اساسی صحبت کرده و یاری‌سازی جمهور را در این زمینه‌ها تحت فشار قرار می‌دهند، سایر نیروهای جبهه دوم خرداد را "گروهای ملی" نامید و مانند سایر سخنگویان بورژوازی بر قانون اساسی به عنوان "میثاق ملی" پایی فشرد. وی در عین حال برخوردهای "خشنا" یا افرادی از سوی جریان‌های وابسته به جناح خویش رانفی و محکوم کرد و گفت که به جای این کارها، بایدروی "اهداف ملی" کارکرد. اما مهمترین بخش صحبت وی درباره نیروهای ملی - مذهبی و دیدگاهها مثبتی بود که از این نیروها ارائه داد. او گفت: "شواهدی از وفاداری نیروهای ملی مذهبی به نظام و میثاق ملی پیدا شده و حتی این نیروها در این مقطع مذاکره با آمریکا را نمی‌کردند، و فقط این مسأله رانفی نکرد" بالعکس گفت از مذهبی که از نظرات دین و نهادهای دینی طرفداری می‌کنند، امری طبیعی می‌داند. وی در زمینه برون رفت از بحران می‌گوید، مایا باید ترکیبی به وجود بیاند یشد و بحران‌های چند جانبه داخلی بیاند یشد و برای وحدت و انسجام قبل از هرچیز به تمام کسانی که اصول قانون اساسی رامحترم می‌شمارند و به "مصالح ملی" می‌اندیشنند توجه کند. حبیب الله پیمان نیز تحلیل مشابهی از محافظه کاران به دست می‌دهد و نزدیکی محافظه کاران خردگرا، به گروههای ملی - مذهبی که از نظرات دین و نهادهای دینی طبیعی می‌دانند. وی در زمینه برون رفت از بحران می‌گیری، جامعه باقی بگذاریم. ایجاد فضای امن تحت حاکمیت قانون برای گفتگو بدون تلاش برای حذف یکدیگرنیازه‌مگی است. و اضافه می‌کند که "ثبت" زمانی برای نظام فراهم

## \* پیروزی اعتصاب فلز کاران در استرالیا

بیش از ۱۳۰ کارگر فلز کار شاغل در مجتمع صنعتی BHP در شهر ملبورن، استرالیا، پس از سه هفته، اعتراض خود را پایان داده و با دست یابی به بخشی از خواسته های خود، کارهای خود را مجدداً از سرگرفتند. اوایل ماه می بود که صاحبان این مجتمع عظیم اعلام نمودند که بیش از ۴۰ نفر از کارگران را به صورت نیمه وقت به دیگر بخش های کارخانه فرستاده و از این طریق دور جدیدی از تجاوز به حقوق کارگران را آغاز نمودند. این تصمیم با مخالفت یک پارچه کارگران مواجه شد و در پی خود اعتضای تمامی کارگران را به همراه داشت. اعتضاییون در مقابل در کارخانه تحصن کردند و از خروج قطعات فلزی جلوگیری نمودند و مدیران کارخانه نیز برای مقابله با مسدود نمودن راه ورودی کارخانه توسط کارگران، 'صدها مامور پلیس را به محل گسیل کرده و با خشونت تحصن کارگران را پربرهم زدند. اما پس از مدتی کوتاه، 'مجدها' کارگران در صفوف متعدد، در مقابل درورودی کارخانه تجمع نمودند. بیش از ۲۰ روز اعتضاب و مقاومت کارگران، 'سر-انجام کارفرمای اوادار به عقب نشینی نمود و بخشی از خواسته های کارگران تحقق یافت.

## \* اعتساب عمومی کارگران در اسپانیا

روز ۲۱ ماه زوئن، سران بازار واحد اروپا در شهر سویلیه اسپانیا گردهم آمده تا در مورد سیاست‌های مختلف از حمله شرایط پذیرش پناهندۀ به بحث و گفتگو بشینند. در عین حال چندین اتحادیه کارگری نیز در اسپانیا اعلام نمودند که این روز را به روز اعتراض به سیاست‌های رفاهی دولت این کشور تدیا خواهند نمود.

از چندین روز قبل از برگزاری این نشست، در این شهر یک حکومت نظامی غیررسمی اعلام شده و تمام خیابانهای این شهر به اشغال بیش از ۱۰ هزار مامور پلیس درآمد. اما حضور گسترشده نیروهای سرکوب نمی‌توانست مانعی در مقابل مبارزه‌جویی کارگران ایجاد کند. روز ۲۰ زوئن خیابان‌های شهرهای مادرید و بارسلون شاهد راه پیمایی و تجمع صدها هزار نفر بود که خواهان توقف سیاستهای اقتصادی و اجتماعی ضدکارگری دولت بودند. اخرين باركه کارگران اسپانیا دست به اقدامی در این ابعاد زدند، سال ۱۹۹۴ بود و از اين سال تاکنون<sup>۳</sup> سرمایه داران دائمآ کارگران را تحت فشار قرارداده و به بنهانهای مختلف دستمزد آنها را محدود کردند. اعتراضات روزهای ۲۰ و ۲۱ زوئن گذشته در شهرهای یاد شده به شهرهای سبوبیلیا و ابیيرا نیز رسیده و در شهر محل برگزاری اجلاس سران اروپا<sup>۴</sup>، بیش از ۱۰ هزار نفر به خیابانها آمد و مخالفت خود را با سیاستهای اقتصادی و رفاهی دولت به نمایش گذاشتند. پلیس ضد شورش اسپانیا در طول نظاهرات این ۲ روز، با خشونت تمام صفوں اعتراضیون را در هم شکسته و با پرتاب گازآشکارا و صدها مامور پلیس اسب سوار سعی نمود که به هر وسیله ممکن از ابراز مخالفت کارگران جلوگیری نماید.

\* اعتصاب یک پارچه کارگران ساختمان در آلمان

پس از اعتصابات فلز کاران آلمان، اکنون نوبت به بیش از ۹۵۰ هزار نفر از کارگران بخش ساختمان رسیده است که سرمایه‌داران را وارد ارکنند خواسته خود را کافایزایش دستمزد - هابه میزان ۴/۵ درصد است، بدین‌روز. این حرکت یک پارچه، اعتصاب کارگران ساختمانی است که از سال ۱۹۴۹ تا کنون بی سابقه بوده و در پی به بن‌بست رسیدن مذاکرات نمایندگان کارگران و کارفرمایان، انجام می‌گیرد. این اعتصاب یک پارچه‌ارز روز ۱۷ زوئن از مناطق شمالی این کشور آغاز شد و طی یک رشته اعتصابات رشتہ‌ای به دیگر نقاط این کشور گسترش خواهد یافت. در روزهای آغازین این حرکت، بیش از ۵۰ شهر شاهد اعتصابات کار - گران و تجمع آنها در نقاط مختلف شهرها بودند. از حمله در شهرهای برلین، هامبورگ

رابرکارگران مسدود نموده و با وحشیگری تمام صفوں راه پیمایان رابرهم زدند. در اثراین اقدامات وحشیانه یکی از کارگران مورد اصابت گلوله قرارگرفت و جان خود را از دست داد. قتل کارگری که از اجحافات سرمایه‌داران جانش به لب رسیده و برای سیرکردن شکم خود و خانواده خود دست به مبارزه زده بود، موجی از خشم و نفرت در میان کارگران پاراگوئه دامن زد و بلماضله شورای سراسری اتحادیه کارگری CNT، اعلام نمود که تمام کارگران پاراگوئه روز ۶ زوئن دست به یکاعتصاب عمومی ۲۴ ساعته زده و از تمامی شهروندان پاراگوئه نیز خواست که با پیوستن به صفوں اعتراضی کارگران خواهان لغو قانون تسریع روند خصوصی سازیها در این کشور شوند.

در روز ۶ ماه روثُن، تمامی کارگران در سراسر پاراگوئه دست از کار کشیده و با برپائی تظاهرات و راه پیمایی در شهرهای مختلف، خواهان توقف خصوصی سازی ها شدند که مستقیماً از سوی موسسات مالی امپریالیستها به نمایندگان سرمایه داران این کشور دیکته می شود.

مبارزه جوئی و عزم جزم دههازار کارگر، سرانجام مقامات دولت این کشور را وادر به عقب نشینی نمود و در یک سخنرانی تلویزیونی، رئیس جمهور این کشور اعلام نمود که طرح خصوصی سازی شرکت دولتی Copco کاملاً ملغو شده و خصوصی سازی تلفن دیگر بخش های دولتی نیزتاً اطلاع ثانوی متوقف خواهد شد.



## \* اعتصاب عمومی در پاراگوئه

پاراگوئه همچون کشورهای دیگر آمریکای لاتین، دریک بحران عمیق اقتصادی و سیاسی به سرمی برد. صفووف بیکاران هر روز طولانی تر شده و دستمزد ناچیز کارگران شاغل کفاف زندگی آنها را نمی دهد. برای بردن رفت از این اوضاع فناوت بار دولت پاراگوئه اخیرا با تصویب قانون جدیدی، راه چاره را در تسریع و گسترش بیش از پیش خصوص سازی مراکز دولتی اعلام نموده است. این اقدام دولت، خشم فرو خورده میلیون ها کارگر و رحمتکش را برانگیخته و روز ۴ مارس بیش از هزار نفر از کارگران کشاورزی در شهر Coronel واقع در ۱۴۰ کیلومتری پایتخت آسونسیون، گردهم آمده و اعلام نمودند که "بمنظور ودارکردن دولت ببلغواین قانون" به سمت پارلمان واقع در شهر آسونسیون راه پیمایی کرده و از دیگر کارگران هم خواستند که به صفوغ اعتراضی آنان بپیوندد.

هنوز راهپیمایان مسافت زیادی را پشت سر نگذاشته بودند که نیروی پلیس و ارتش راه را برکارگران مسدود نموده و با وحشیگری تمام صفوں را پیمایان را برهم زدند. در اثراین اقدامات وحشیانه یکی از کارگران مورد اصابت گلوله قرارگرفت و جان خود را از دست داد. قتل کارگری که از اجحافات سرمایه داران جانش به لب رسیده و برای سیرکردن شکم خود و خانواده خود دست به مبارزه زده بود، موجی از خشم و نفرت در میان کارگران پاراگونه‌داران زد و بیان‌الله شورای سراسری اتحادیه کارگری CNT، اعلام نمود که تمام کارگران پاراگونه روز ۶ زوئن دست به یک اعتراض عمومی ۲۴ ساعته زده و از تمامی شهروران پاراگونه نیز خواست که با پیوستن به صفوں اعتراضی کارگران خواهان لغو قانون تسریع روند خصوصی سازیها در این کشور شوند.

در روز ۶ ماه زوئن، تمامی کارگران در سراسر پاراگوئه دست از کار کشیده و با برپائی تظاهرات و راه پیمایی در شهرهای مختلف، خواهان توقف خصوصی سازی ها شدند که مستقیماً از سوی موسسات مالی امپریالیستها به نمایندگان سرمایه داران این کشور دیکته می شود.

مبازه جوئی و عزم جزم دهه‌هزارکارگر، سرانجام مقامات دولت این کشور را وارد به عقب نشینی نمود و در یک سخنرانی تلویزیونی، رئیس جمهور این کشور اعلام نمود که طرح خصوصی سازی شرکت دولتی تلفن Copco کاملاًلغو شده و خصوصی سازی دیگر بخش‌های دولتی نیزتاً اطلاع ثانوی متوقف خواهد شد.

در عین حال منبع پدید آوری ارزش یعنی کار را تحلیل می‌برد. نتیجه آن، گرایش نرخ سود به کاهش است. بحران اضافه تولید خود را ازسویی به عنوان یک اضافه تولید و ازجهتی دیگر به عنوان سرمایه مازاد، نشان می‌دهد. در این حالت سرمایه کم نیست، اما نمی‌تواند به سرمایه‌گذاری که به اندازه کافی سود ده باشد بپردازد. در این جاست که سرمایه به طرف سوداگری می‌رود.

براین اساس است که بخش مالی هیولاوارگسترش می‌یابد. سرمایه "مجازی" می‌تواند این توهمند را به دست دهد که برای جلوگیری از انحطاط اقتصادی باید درآمدات ایان در بورس بازی افرید. ولی این سرمایه بدون شک موجب ترکیدن حباب مالی می‌شود. رشد عنان کسیخته یک بخش مالی سوداگر ربطی به واقعیت تولید ندارد. سرمایه "مجازی" نقش صامن یک وام داری را بازی می‌کند که به نوبه خود حباب سوداگرانه را تغذیه می‌نماید. به این دلیل است که بیش از کوکو اقتصادی همواره یک ورشکستگی مالی و بورسی وجود داشته است. این ورشکستگی موجب یک دید نادرست می‌شود که گویا ماهیت بحران مالی است. اما سرمنشاء عمیق آن در جایی به جز نظام تولید و نملک خصوصی محصول اجتماعی سکنا گزیده است.

این سرمنشاء در مالکیت خصوصی وسائل تولید و در تضاد بین خصلت اجتماعی تولید و نملک خصوصی محصول اجتماعی سکنا گزیده است. گذار به سرمایه داری انصاری این تضاد را به اشد درجه رسانده و هم چنین تمام عوامل بحران را تقویت کرده است.

(۴) این روندها به خشن ترین و مחרب ترین شکلی در بحران ۱۹۲۹ رخ نمودند که خود به رکود بزرگ فرارویید.

بحaran بزرگ در ایالات متحده آمریکا بایک ورشکستگی بورسی عظیم که تا آن زمان هرگز اتفاق نیافتداده بود آغاز شد. دریکروز، ۲۹ اکتبر، ۱۶/۵ میلیون سهم مبالغه شد. شاخص بورس ۴۳ درجه پایین آمد که برای راسود یک ساله اش بود. کاهش این شاخص در روزهای بعد ادامه پیدا کرد. این بحران مالی، "نشان از بحران ناپیادی رکود تولید" داشت. تولید تا سال ۱۹۳۲ ۴۶ درصد کاهش یافت و تنهای در سال ۱۹۳۷ ۱۰ بود که به سطح ۱۹۲۹ رسید. در سال ۱۹۳۳ نزدیک به ۱۳ میلیون زحمتکش بیکار بودند که ۲۵٪ نیروی کار را تشکیل می‌دادند. در سال ۱۹۳۸، بیکاران هنوز ۲۰٪ جمعیت فعلی را تشکیل می‌دادند.

این بحران بهاروپیا و سراسرجهان بسط یافت. در آلمان ۵ میلیون نفر که ۴٪ کارگران را تشکیل می‌دادند در سال ۱۹۳۲ بیکار بودند. در انگلستان تعداد آنان ۳ میلیون بود. در حالی که بدون شک ۴۰ تا ۵ میلیون نفر کارخود را در سال ۱۹۳۱ از دست داده بودند، در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی بیکاری دیگر وجود نداشت. شوروی نشان داد که می‌توان تولید را با اهنج ۱۸ در صدی افزایش داد بدون این که وارد بحران‌های دوره ای شد. بالعکس، افزایش تولید در شوروی با افزایش مداوم سطح زندگی مردم همراه بود.

ناری‌ها با سوء استفاده از فقر توده‌ها و ناتوانی احزاب سنتی برای حل بحران، قدرت را به دست گرفتند. آنان یک دیکتاتوری آشکار را به کارگران آلمانی تحمیل کردند و پک سیاست خارجی مبتنی بر جنگ و توسعه طلبی را که نخستین هدف شوروی بود، دریابیدند.

بنابراین بحران ۱۹۲۹ به فقر و استثمار بیشتر کارگران، نظامی سازی اقتصاد، فاشیسم و سرانجام جنگ جهانی منجر شد. اما در نهایت آلمان ناری و متحداش شکست خوردند و سوسیالیسم در بسیاری از کشورهای اروپایی و آسیایی پیروز شد. در حالی که سرمایه داری برای حل بحران بدبناش مفری در فاشیسم و جنگ بود، خلق‌هایی راه نجات را در انقلاب و سوسیالیسم یافتند. هفتاد سال بعد همان روند دوباره پدیدارشده است.

(۵) امپریالیسم برای حل بحران در طی سده گذشته دوباره توسل به جنگ چاره‌ای جستجو نمود. نتایج "پاک گنده" جنگ جهانی دوم برای بورژوازی چنان "رسنگاری" اوردنده که تقریباً برای مدتی نسبتاً طولانی خبری از بحران بزرگ دیگری نبود. این باعث شد که برخی این عقیده را ابراز دارند که سرمایه‌داری سرانجام توانست بارجوع به کیزیانیسم و سیاست مالی اقتصاد کلان کیزی در طی دهه های ۱۹۲۰ تا ۱۹۷۰ به یک داروی معجزه آسا برای مهار تضادهایش دست پیدا کند. با این حال از ۱۹۷۵-۱۹۷۴، سرمایه داری جهانی دوباره وارد یک دوران رشد کند و منقطع با بحران‌های شدید موقتی شده است. بورژوازی امپریالیست برای مقابله با این بحران جدید ساختاری یک پاتک نسلولیرالی را در دستور کارخویش گذاشت تا بتواند امتیازاتی را که به قشر فوقانی طبقه کارگر و چند حکومت دوست داده بود بازپس بگیرد. این امتیازات پس از جنگ جهانی دوم بهاین خاطر داده شده بود که بورژوازی بتواند از نفوذ اتحاد شوروی و نیروهای انتقالی که درحال پیشرفت در تمام جهان بودند جلوگیری کند. ضد حمله نسلولیرالی از ایالات متحده آمریکا و انگلستان شروع شد و با واسطه ارگانهای بین‌المللی از قبیل صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی، سازمان جهانی تجارت و... به تمام گیتی گستردگی شد.

(ادامه دارد)

## بحران اقتصادی و بحران امپریالیسم

### سیناریو بین‌المللی گمونیستی

### بحران‌های اقتصادی و امکان یک بحران بزرگ جهانی

بروکسل ۲ ق ۴ مه ۲۰۰۲

### قطعنامه عمومی

یک بحران جهانی به عظمت بحران ۱۹۲۹ رخ می‌نماید. عواملی که می‌توانند چنین بحرانی را پدید آورند بیشتر می‌شوند. این موضوع، بورژوازی انصاری از جهانی انداز و فرستاده‌ای جدیدی را برای جنگ انتقالی به وجود می‌آورد.

(۱) نظام سرمایه داری همواره بحران‌های اقتصادی آفریده است. نخستین بحران در سال ۱۸۲۵ در پیش‌رفته ترین اقتصاد آن زمان یعنی انگلستان رخ داد. مارکس در کتاب سرمایه "قوانینی" را که تولید سرمایه داری برآنها استوارند نشان داد و خصلت دوره‌ای بحران‌ها را تعریف کرد. نخستین بحران جهانی از ۱۸۴۸ آغاز شد. از آن پس تاکنون ۲۴ بحران دوره ای رخ داده است.

سرمایه‌داری در پایان سده نوزدهم میلادی با نخستین بحران ساختاری خود که از ۱۸۷۳ تا ۱۸۹۵ به درازا کشید، مواجه شد. لینین در کتاب چگونه‌این بحران موجب استحالة سرمایه داری لبیرال می‌شوند، در کتاب انصاری شد. در این مرحله، انصارهای جهان را بین خود تقسیم کردند.

امپریالیستی پس از نخستین بحران جهانی در طی جنگ جهانی اول بر ضد یک دیگر مبارزه می‌کنند.

(۲) دیدگاه اقتصادی بورژوازی قادر نیست تا ریشه بحران و خصلت دوره ای آن را توضیح دهد. البته نه به این خاطر که بورژوازی هوشمند نیست، بلکه بدین دلیل که دید طبقاتی بورژوازی بر خصلت استثمارگرانه قوانینی را که در اساس موجب بحران و گسترش آن می‌شوند، روشن کنند. زیرا این توضیحات از این فرض حرکت می‌کنند که نظم سرمایه داری پیشرفت‌های ترین و فناوت‌پذیر ترین نظم هاست. در این جاست که بورژوازی تحلیل‌های سطحی واشتباه برانگیز ارائه می‌دهد تا توده های از مبارزه بر ضد سرمایه داری برخذر دارد.

(۳) فقط علم اقتصادی مارکسیستی که بپایه ماتریالیسم دیالکتیک و تاریخی پی ریزی شده، می‌تواند کلید درک همه جانبه بحران و راه حل آن را ارائه دهد.

از سویی، هرسرمایه‌دار با ایجاد مدام ظرفیت جدید به افزایش تولید رو می‌ورد تا سود خود را بیشتر کند. از طرف دیگر، رقابت مرگ اور، وی را به تشدید استثمار توده های رحمتکش رهمنوں می‌کند تا تولید، ارزان تر تام شود و بازارهای رفیق به دستش بیافتد. در این جاست که فشارداریم روی دستمزدها اعمال می‌شود، حال می‌خواهد مستقیم یا نامستقیم باشد. نتیجه‌ان، تضاد حل نشدنی میان رشد ظرفیت تولید و کاهش توان خرید توده هاست. مارکس توضیح می‌دهد که هر بحرانی و کاهش توان خرید تولید است. او می‌نویسد: "دلیل نهایی هر بحران واقعی همیشه در فقر و محدودیت مصرف توده‌ها در مقابل گرایش تولید سرمایه داری برای کسترش نیروهای تولیدی است که گویی هیچ حدی به جز ظرفیت مصرفی مطلق جامعه را ندارند." کانون و پایه نظم سرمایه داری چیزی به جز استثمار بازنگشیده و افزون تر شده نیست. انگلیس می‌افزاید: "در این بحران ها، تضاد میان تولید میان رشد ظرفیت تولید سرمایه داری برای افجار قهر آمیز می‌انجامد. گردش کالاها موقتاً قطع می‌شود؛ سیله گردش یعنی پول، به سدی برای خود گردش تبدیل می‌شود؛ تمام قوانین تولید و گردش کالاها زیر رهو می‌شوند. تصادم اقتصادی به حد اعلامی رسد؛ شیوه تولید علیه شیوه میان تولید میان رشد ظرفیت تولیدی که بر شیوه تولید سبقت گرفته‌اند، علیه آن طغیان می‌کنند، تولید اضافی، نسبی است و نه مطلق. این بدان معناست که مقدار کالاها تولید شده بیش از توان خرید رحمتکشان است. بدین جهت مادر وضعیتی مسخره قرار می‌گیریم که در آن مردم از گرسنگی می‌میرند، بدین دلیل که سرمایه‌داری بیش از حد نان تولید می‌کند. مردم از سرماجان می‌بازنده بدین دلیل که بیش از اندازه لباس در بازار موجود است و مردم بی سرپناه هستند بدین دلیل که ساختمان خالی زیاد است... ."

بحران سرمایه‌داری در عین حال انعکاسی از مازاد انسانیت سرمایه است. انگلیزه کسب‌حداکثر سود، سرمایه‌داران را وامی دارد که با استفاده روز افزون از ماشین هایی که به لحاظ تکنولوژیک موثرترند، پیوسته تولید را عقلایی تر سازند. بدین طریق ترکیب ارگانیک سرمایه رشد می‌کند و



## فاجعه‌ای که صدھا کشته و هزاران مصدوم بر جای گذاشت

صبح امروز زمین لرزه‌ای مناطق وسیعی از ایران را به لرزه در آورد. مرکز اصلی این زمین لرزه در جنوب شهرستان قزوین بود که در ساعت ۷/۲۸ صبح رخ داد و بخش‌های آج و آبگرم از توابع شهرستان بوئین زهرا را ویران کرد. این زلزله در همدان نیز خسارتی به بار آورد و تعدادی از مردم رزن نیز کشته و مصدوم شدند. در کردستان، تهران، همدان، کیلان، اراک، دامغان، سمنان و اردبیل نیز زمین لرزه‌ای رخ داد.

بر طبق آخرين آمار که تا پيش از ظهر امروز انتشار یافته است، تنها در بخش‌های آج و آبگرم حدود ۵۰۰ تن کشته و بیش از هزار تن مصدوم شده‌اند. دهها روستا نیز در منطقه بوئین زهرا و همدان با خاک یکسان شده‌اند.

این نخستین بار نیست که زمین لرزه این منطقه را ویران می‌کند و خسارات جانی و مالی سنگینی به بار می‌آورد. منطقه قزوین، همدان و گیلان یکی از مراکز زلزله خیز در ایران است و در طول سه، چهار دهه گذشته چندین زلزله سهمگین در این منطقه رخ داده است. با این وجود رژیم‌های حاکم بر ایران کمترین اقدامی برای حفظ جان مردم انجام نداده‌اند. هر سال میلیاردها دلار حاصل دسترنج کارگران و زحمتکشان برباد می‌رود، به جیب سرمایه داران و سران حکومت سرازیر می‌شود، اما اندکی از حاصل دسترنج این مردم، صرف ایجاد مساکن و منازل مقاوم نمی‌شود. تیجه آن که یک زلزله تنها ۵ ریشتری صدھا تن انسان را زنده به گور می‌کند و هزاران تن را مصدوم و معلول می‌سازد. بنابراین مسئول فاجعه‌ای همچون زلزله نیز سرمایه داران و رژیم سیاسی پاسدار منافع آنها در ایران هستند. سازمان فدائیان (اقلیت) به همه کسانی که عزیزان خود را در این فاجعه از دست داده‌اند تسلیت می‌کوید و از همه مردمان زحمتکش می‌خواهد که به یاری آسیب دیدگان ناشی از این زلزله بستابند.

### سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی – برقوار باد حکومت شورائی

سازمان فدائیان (اقلیت)

۱۳۸۱/۴/۱

کار-نان – آزادی – حکومت شورائی

همچنین برخی از اهالی معتبر این مناطق به موسوی لاری (وزیر کشور جمهوری اسلامی) و همراهانش که برای بازدید به این مناطق رفته بودند، با سنگ و چوب حمله کردند و بدین طریق اعتراض خود را نسبت به بی توجهی مسئولین و نابسامانی در امر کمک رسانی به نمایش گذاشتند.

لازم به ذکر است که به دلیل کمبود امکانات پژوهشی و امدادی و تاخیر در ارسال کمک به مناطق زلزله زده، بسیاری از اهالی روستا - های ویران شده و اهالی قزوین، دست به اعتراض زده‌اند. مردم آوج نیز در اعتراض بهاین مسئله جاده تهران - همدان رامسدود ساختند.

## خلاصه‌ای از اطلاعیه‌ها و بیانیه‌های سازمان

سازمان ما در ۲۲ خرداد ماه، اطلاعیه‌ای در حمایت از مبارزات کارگران کارخانه لوله سازی خوزستان انتشار داد. در این اطلاعیه گفته شده است که کارگران کارخانه لوله سازی خوزستان که تاکنون چندین بار در مقابل استانداری خوزستان دست به تجمع و تحصن زده‌اند، بار دیگر در اعتراض به عدم تحقق مطالبات خود، در مقابل استانداری اجتماع نمودند و خواهان پرداخت حقوق و دیگر مطالبات خود شدند. مقامات استانداری و اداره کار بار دیگر مطالبات آنها برآورده خواهد شد.

### \* اعتراض کارگران شرکت صنایع الکترونیک

کارگران شرکت صنایع الکترونیک دماوند با ارسال نامه‌ای به مطبوعات خواهان پرداخت حقوق و مزایای معوقه و اجرای طرح طبقه بندي مشاغل شدند.  
۴۰. کارگران این کارخانه معتبر اند که مدیریت از اجرای طرح طبقه بندي مشاغل سریاز می‌زند، حقوق کارگران طی دو سه سال اخیر به طور منظم پرداخت نمی‌گردد و در حال حاضر سه ماه است که کارکنان شرکت الکترونیک واپسی به شرکت صنایع الکترونیک دماوند حقوق و مزایای مربوط به اضافه کاری را دریافت نکرده‌اند.

## خبری از ایوان

\* تجمع اعتراضی  
کارگران اخراجی شهرداری

حدود ۱۶۰ تن از کارگران اخراج شده به همراه خانواده‌های خود در تاریخ ۲۵ خرداد ماه در محل برگزاری جلسه مدیران شهر - داری تجمع نموده و خواستار بازگشت به کار شدند. در حالی که اداره کار و امور اجتماعی خراسان، طی حکمی، اخراج این کارگران را غیر قانونی دانسته است، اما مقامات شهرداری مشهد از بازگرداندن کار - گران به سر کار سر باز می‌زنند.

در جریان این تجمع اعتراضی، پلیس مداخله کرده و کارگران را به نقطه دیگری فرستاد تا شهردار در جمع کارگران اخراجی سخن - رانی کند. سخنان شهردار مشهد که هیچ پاسخ مشخصی به مطالبات کارگران نداشت با اعتراض کارگران مواجه شد.

\* تجمع و راهپیمایی  
اعتراضی کارگران ریسمان ریسی

صبح روز دوشنبه سوم تیرماه، هنگام مراجعت کارگران ریسمان ریسی سمنان به کارخانه مشاهده کردند که یک دستگاه بولدوزر شهر داری مشغول تخریب دیوار کارخانه است. کارگران فوراً عکس العمل نشان داده و ضمن اعتراض، مانع ادامه تخریب کارخانه شدند و سپس به طور دسته‌جمعی به سوی شهرداری سمنان دست به راه پیمایی زدند. شایان ذکر است که کارخانه ریسمان ریسی سمنان، یک سال پیش به شهرداری فروخته شد و از همان موقع ۱۰۰ کارگر این کارخانه، از کار برکنار شدند و به آنان وعده داده شد که پس از یک سال دریافت بیمه بیکاری، مجدداً به سر کار برگردند که به این وعده عمل نشده است. هم‌اکنون بیش از ۲۰ کارگر در این کارخانه مشغول به کارند که بیش از ۶ ماه است دستمزد آنها پرداخت نشده است. کارگران با برقایی تجمع اعتراضی در پشت اتاق شهردار، خواستار پاسخ‌گویی و رسیدگی به مشکلات خود شدند. سرانجام قرار شد در جلسه‌ای با حضور مسئولان شهر و نماینده کارگران، به مشکلات کارگران رسیدگی شود.

### \* تجمع اعتراضی کارگران مخابرات

روز یکشنبه ۲۶ خرداد، کارگران اخراجی و بازخریدی شرکت مخابرات ایران، در برابر مجلس شورای اسلامی دست به تجمع اعتراضی زدند. این کارگران که از شهرستانهای مختلف جهت اعتراض به تهران آمده بودند، خواستار بازگشت به کار شدند.

## مبارزه طبقاتی و رهائی زنان (۲۱)

سالیان متمادی، زنان سوسیالیست نقش مهمی در جذب زنان به اتحادیه های کارگری ایفا نموده بودند. اکنون دیگر افزایش اعضاء زن در اتحادیه های کارگری منجر به افزایش تعداد زنان عضو حزب سوسیال دمکرات آلمان گردید. قوانین آلمان، تا مدتی باعث تاخیر میان این دو شده بود، اما اکنون تعداد زنان عضو حزب به سرعت افزایش می یافتد. در سال ۱۹۰۶، شمار زنان در SPD تنها به ۶۴۶۰ نفر بود، در حالی که شمار زنان عضو اتحادیه های کارگری، کمتر از یک درصد زنان عضو اتحادیه های کارگری، عضو SPD هم بودند. اما در سال ۱۹۰۷، این میزان به ۸ درصد، در سال ۱۹۰۸ به ۲۱/۳ درصد، در ۱۹۰۹ به ۴۶/۵ درصد، در سال ۱۹۱۰ به ۵۱/۲ درصد، در ۱۹۱۱ به ۵۶/۳ درصد، در ۱۹۱۲ به ۵۸/۵ در ۱۹۱۳ به ۶۱/۳ درصد و در سال ۱۹۱۴ به ۸۳ درصد رسیده بود (آمار عضویت زنان در SPD تا قبل از ۱۹۰۸، زمانی که اعضویت در حزب ممنوع بود، تصویر غلطی ارائه می دهد زیرا هزاران زنی را که به طور جدی با حزب کار می کردند، بدون آن که رسماعضو حزب باشند، شامل نمی شود. آبرشت - ص ۴۷۱)

میتینگ های وسیع عمومی، فرست هائی برای جذب زنان به حزب به وجود آوردند. مثلا در هامبورگ در ۶ نوامبر ۱۹۰۵، در یک جلسه که در آن ۲۸۰ نفر شرکت داشتند، ۲۶ زن به حزب پیوستند، در ۱۹۰۷ در سه اجلاس وسیع ۲۰ فوریه، از ۷۰۰ نفر، ۴۵ نفر، در ۱۸ مارس از ۱۱۰ تن حاضرین در جلسه ۱۳ نفر و در سپتامبر از ۱۲۰۰ شرکت کننده، ۵۰ نفر به حزب پیوستند. سال بعد، در ۱۱ فوریه ۱۹۰۸ در یک میتینگ بزرگ دیگر، ۳۹ نفر از حاضرین به عضویت حزب درآمدند. (سوسیال دمکراتی و رهائی زنان در آلمان- ر- زایوار- برلین- بن ۱۹۷۹ - ص ۱۶۶-۷)

\* برخورد کلارا زتکین به فمینیسم بورژوازی، موضوع قسمت بعدی است.

### کمک های مالی رسیده

#### المان - هامبورگ

یورو	۵	بیژن جزئی
یورو	۷	حمدی اشرف
یورو	۲۰	پویان
یورو	۵	پرویز- ف
یورو	۱۰	خاوران
یورو	۶۰	مازیار
		هلند
یورو	۱۰۰	کاوه

زنان تشکیل می شدند، ضعیف و بی ثبات بودند و در اولین فرصت درون اتحادیه های مردان حل شدند. کلارا زتکین و رفاقتیش حتی در جلب زنان به حزب سوسیالیست دمکرات با موانع عظیم قانونی رو برو بودند. تا سال ۱۹۰۸، قانون در بسیاری از ایالات آلمان، زنان را از شرکت در هرگونه حزب سیاسی منع می کرد. حزب سوسیال دمکرات مجبور به اتخاذ روش های متعدد به منظور مقابله با این موانع بود. در سال ۱۸۸۹ یک کمیسیون تبلیغات متشکل از چند زن در برلین تشکیل شد تا مرکزی برای فعالیت های اتحادیه و حزبی دائر گردد. شهرهای دیگر نیز از این روش پیروی کردند. بسیاری از اینها جایگزین سازمانهای زنانی شدند که پیلیس تعطیل کرده بود. آنها به سازماندهی، سخنرانی، میتینگ و سایر فعالیت ها دست زدند و رابطه نزدیکی با سازمانهای حزبی محلی برقرار نمودند. تمام کمیسیونهای تبلیغی مستقل از یک دیرگر بودند تا قانون نتواند مانع فعالیت آنها گردد. با این وجود دولت تدبیری علیه آنها به کار گرفت. در سال ۱۸۹۵، همگی آنها ممنوع شدند.

در سال ۱۸۹۴، کنفرانس حزب سوسیال دمکرات، سبیستم "سخنگو" را انتخاب کرد. مسئولیت تبلیغات سیاسی بر عهده یک فرد گذارده شد. به نحوی که موانع قانونی علیه انجمن های سیاسی کارساز نگردد. بدین طریق این سخنگوی فردی می توانست از جانب خودش دست به ابتکار سیاسی بزند. تعداد سخنگویان از ۲۵ نفر در سال ۱۹۰۱ به ۴۰۷ نفر در سال ۱۹۰۷ رسید. (فمینیسم و آلمان- ژ- استرین)

در نوامبر ۱۸۹۵، سخنگوی مرکزی برگزیده شد تا که به عنوان حلقه رابط زنان کارگر سازمان یافته در سراسر آلمان انجام وظیفه کند. در همان حال کلارا زتکین به عضویت کمیته اجرائی مرکزی SPD برگزیده شد. (جامعه شناسی جنبش زنان- برلین- ۱۹۲۵- ۱۵۸)

زنان به شیوه های دیگری نیز برای مقابله با این موانع قانونی توسل جستند. از جمله تشکیل کلوب های انتخاباتی در نظر گرفته شده بود، برای کمپین انتخاباتی در هامبورگ شده بود، دوره ای که تحت قانون پروسی، مجاز شمرده می شد. لوئیز زمینس یکی از راه های خنثی کردن قانون Thuringia که زنان را از سخنرانی در مجامع عمومی منع می کرد را چنین توصیف می کند: "من از سخنرانی محروم بودم. یک رفیق مرد به مدت ده دقیقه صحبت می کرد و سپس من رشته بحث را در دست می گرفتم و حدود ۱/۵ ساعت صحبت می کردم (پروتکل حزب- ۱۹۰۶ - ص ۴۰۸) هنگامی که قانون ممنوعیت تجمعات در سال ۱۹۰۸ ملغی شد، ضرورت سیستم سخنگویی از بین رفت.

در مشاغل سنتی زنان، موقیت کمتری داشت تا در صنایع یعنی جائی که زنان با مردان کار می کردند. مثلا در سال ۱۹۱۴، بیش از ۴۴ درصد زنانی که در صنایع ماشینی کار می کردند، عضو اتحادیه ها بودند، در حالی که در حرفه خیاطی تنها ۱ درصد بود. جنبش زنان سوسیالیست در آلمان با نام کلارا زتکین (۱۹۳۳- ۱۸۴۷) بهمگره خود را بود. زتکین همچنین نقش حیاتی در سازمان ۲۵ سال عضو اتحادیه صاحفان درآشت-وتگارت بود و نقش فعالی در اتحادیه کمربند دوزان و خیاطان داشت، در بسیاری از گنگره های آنها شرکت کرد. اویکی از نمایندگان اتحادیه خیاطان و کمربند دوزان آلمان بود. در دو میان کنگره بین المللی این صنف بود که در سال ۱۸۹۶ در لندن برگزار شد و به عنوان دبیر بین المللی موقعت اتحادیه انتخاب شد. دیگر زنان بر جسته سوسیالیست نیز، نقش مهمی در سازماندهی زنان در اتحادیه ها ایفا کردند. "لوئیز زتس" Louise Zeits (۱۸۶۵- ۱۹۱۶) سالهای زیادی عضو اتحادیه کارگران غیر ماهر کارخانه بود و غالبا به عنوان دبیر در کنگره های اتحادیه برگزیده می شد. "اویلا بادر" Ottila Baader (۱۸۴۷- ۱۹۲۵) نیز عضو بر جسته جنبش زنان سوسیالیست و اتحادیه خیاطان و کمر بند دوزان بود. اعضای جنبش سوسیالیستی زنان در کارتل ها (شکلی از شوراهای اتحادیه ای اما با تاثیر بیشتر) فعالیت می کردند. از سال ۱۹۰۵، کارتل ها خود، زنان سازمانده را در شهرهای از جمله هامبورگ و نورنبرگ بر می کردند. آنها عموماً صندوق اعتراضات را کنترل می کردند و نتیجتاً بر سیاست اعتراض تاثیرگذار بودند.

ضرورت وحدت اتحادیه ای بین زنان و مردان، در نظر و عمل کلارا زتکین عمدگی داشت. در حالی که در روسیه، اتحادیه ها از آغاز، شامل زنان و مردان بودند، در آلمان یک نسل طول کشید تا در اتحادیه هایی که در تسلط مردان بود به روی زنان گشوده شود. (در بریتانیا سه نسل مашین سازان که در سال ۱۸۵۲ تأسیس شد، زنان را در سال ۱۹۴۳ (یعنی بعد از ۹۱ سال) و آنهم در سطوح پائینی به درون خود راه داد.)

در هیچ موردی، زنان کارگر خواهان ایجاد اتحادیه جدایگانه نبودند. گروه های ضعیف طبقه کارگر تمایلی به جدائی طلبی ندارند. در هر کجا که چنین چیزی رخداده است با اکراه و در نتیجه قانون سرمایه داری که این جدائی را تحمیل نموده، صورت گرفته است. از جمله، به علت نفوذ فمینیستی بورژوا- لیبرالی ست که اتحادیه زنان بریتانیا و آمریکا شکل گرفتند یا به علت روحیه صنفی گرائی و بورکراسی در اتحادیه های مردان بوده است. کلیه اتحادیه هایی که صرفاً از

## مبارزه طبقاتی و رهائی زنان (۲۱)

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت)،  
نامه های خود را در دو نسخه جدا گانه  
برای دوستان و آشنایان خود در خارج از  
کشور ارسال و از آنها بخواهید نامه هایتان  
را به یکی از آدرس های زیر پست کنند.

**K.A.R** **آلمان**  
 Postfach 160531  
 60068 Frankfurt  
 Germany

**Kar** **اطریش**  
 Postfach 260  
 1071 , Wien  
 Austria

**I.S.F** **دانمارک**  
 P . B . 398  
 1500 Copenhagen V  
 Denmark

**M . A . M** **سوئد**  
 Postbox 1144  
 75141 Uppsala  
 Sweden

**Sepehry** **سوئیس**  
 Postlagernd  
 3052 Zollikofen  
 Switzerland

**A . A . A** **فرانسه**  
 MBE 265  
 23 , Rue L'ecourbe  
 75015 Paris  
 France

کمک های مالی خود را به شماره حساب بانکی  
زیر واپس و رسید آنرا به همراه کد مورد نظر به  
یکی از آدرس های سازمان ارسال نمایید

**I.W.A**  
 6932641 Postbank  
 Holland

### شماره های فکس

#### سازمان فدائیان (اقلیت)

۰۰۴۴۸۴۵۲۸۰۱۹۶۷  
 ۰۰۴۴۸۷۰۱۶۸۸۲۷۱  
 ۰۰۴۴۸۷۰۱۳۸۲۵۲۲

-های آزاد حزب سوسیال دمکرات تنها ۴۳۵۵ نفریعنی معادل ۱/۸ در صد اعضای اتحادیه بود و در مقایسه با نسبت زنان به کل جمعیت شاغل که بر طبق آمارگیری ۱۸۹۵ ۳/۴ در صد بود، رقم ناچیزی محسوب می شد.  
 در آن سال، کنگره Halberstadt اتحادیه های کارگری آزاد، اتحادیه های صنفی را واداشت که به سازمانهای اتحادیه ای مختلط تبدیل شوند و زنان غیرماهر را به عضویت همان اتحادیه هائی بپذیرند که کارگران مرد غیر ماهر عضو آن هستند. سابق برآن، سازماندهی زنان و مردان در یک اتحادیه واحد منوع بود، اما حتی پس از آن که این سازماندهی مجاز شد، موانع قانونی دیگر از سر راه برداشته نشد. در اکثر ایالات آلمان از جمله پروس، باواریا، ساکسونی و غیره، مشارکت زنان در هر گونه اجتماعاتی که با مسائل سیاسی سر و کارداشت منوع بود و تفسیر بسط یافته - ای از آن ارائه می شد. به طور مثال: در سال ۱۸۸۶، یک انجمن زنان که در فعالیت های اتحادیه ای مشارکت داشت، توسط پلیس محل شد چرا که با یک نهاد دولتی در مرور روز کار معمولی، و نیز یک لایحه در حمایت از کارگران که به رایشاتگار ارائه شده بود و پیشنهاد برقراری نظارت دولتی بر کارخانه ها وارد مذاکره شده بود. یک سازمان دیگر نیز به این علت محل گردید که دادخواستی به مقامات محلی ارائه داده بود و خواهان حضور زنان در دادگاه های صنعتی شده بود.

پس از سال ۱۸۹۰، هر دو جناح سیاسی و اتحادیه ای جنبش سوسیالیستی در ساختار های ایشان کمیته هائی را قرار دادند که به مسائل زنان می پرداختند. تمامی کمیته ها در ارتباط نزدیک با یکدیگر فرار داشتند و حتی اغلب اوقات عضویت مشترک داشتند. نتایج، چشمگیر بودند. مجموع اعضای اتحادیه های کارگری که در سال ۱۸۹۲، ۲۳۰۹۴ بود به حداقل خود در سال ۱۹۱۳ یعنی به ۲۵۷۳۷۱۸ رسید، اما عضویت زنان به طور نسبی از رشد باز هم بیشتری برخوردار بود و در همان فاصله از ۴۳۵۵ به ۴۴۳۷ رسیده بود، یعنی از ۱/۸ درصد به ۸/۹ درصد افزایش یافته بود.

روی آوری زنان به فعالیت های اتحادیه ای صفحه ۷

E-Mail :  
 info@fedaiyan-minority.org



Organization Of Fedaiyan (Minority)

No.384 juni 2002

کارگری با ثبات که بتواند کارگران غیر ماهر، زنان، سیاه پوستان و خارجی تباران را در برگیرد، موفق نبود. هم سلحشوران کار و هم اتحادیه کارگران صنعتی جهان، پس از آنکه قهرمانانه ترین پیش گامی را در تاریخ جنبش طبقه کارگر آمریکا از خود نشان دادند، به انحطاط گرایدند و نابود شدند. آنچه بر جای ماند، کاریکاتوری فاسد از اتحادیه گرایی یعنی AFL ( فدراسیون کار آمریکا ) بود.

این وضعیت، فعالیتهای سیاسی طبقه کارگر را شدیداً تحت تاثیر قرار داد. IWW در مجموع، خواستهای توده های رزمند کارگران انقلابی رامنکس و نمایندگی می کرد. اما موضع ضد سیاسی و بی اعتمادی اش به هرگونه "سیاست" و تمام "حزاب"، به مثابه واکنشی نسبت به فرست طلبی حزب سوسیالیست، بیانگر محدودیت های آن بودند. حزب سوسیالیست بارویکردانی از IWW و گرایش به سوی AFL، به حزب کارگران ماهر و بورژوازی کوچک تبدیل شد. نتیجه آن، "تضعیف مبارزه علیه راسیسم حذف زنان از اتحادیه بود. زنانی که حول وحش حزب سوسیالیست فعل بودند، عمدتا همسران کارگران ماهر و بورژوازی کوچک بودند، می بایستی میان فمینیسم بورژوازی "الیزابت کادی استانسون" و "سوزان ب آنتونی" از NAWSA ( انجمن حق رای زنان شمال آمریکا ) او رزمندگی کارگری مادر جونز والیزابت گرلی فلین از IWW، یکی را انتخاب کنند.

زنان حزب سوسیالیست با این گروه دوم در یک صف قرار نگرفتند، لذا به ناگزیر تحت تاثیر فمینیستهای بورژوا فرار گرفتند و ملجمه ای از نظرات درهم و برههم و مغشوشه ارائه دادند. آنها که قادر نبودند به وحدت طبقاتی کارگران، اعم از زن و مرد، سیاه و سفید، ماهر و غیر ماهریاری رسانند، به وحدت "جنسیت" یا به عبارتی وحدت بانوان و کلفت های ایشان روی آوردند.

سازماندهی زنان در  
اتحادیه های کارگران آلمان

حزب سوسیالیست دمکرات آلمان در زمینه سازماندهی زنان چندین دست آورد کسب نمود که در زمرة نخستین آنها، سازماندهی زنان در اتحادیه های کارگری بود. در سال ۱۸۹۲، تعداد کل زنان در اتحادیه

|نشانی سازمان بر روی اینترنت:

|http://www.fedaiyan-minority.org|